

بررسی و نقد ترجمه‌های موجود قرآن (۱)

عبدالحسین برهانیان

عضو هیأت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

چکیده

ترجمه به معنای تبیین و تفسیر است و اهمیت و ضرورت ترجمه قرآن به اهمیت و ضرورت انتشار آیات الهی است.

ترجمه به انواع لفظ به لفظ، آزاد، ترجمه تفسیری، (مفهوم‌ن) و وفادار تقسیم می‌شود و دارای اصولی است؛ از جمله آشنایی کامل به زبان مبدأ و مقصد، تا زمان حاضر ترجمه‌های بسیاری از قرآن کریم به زبان فارسی منتشر شده است. در این میان برخی از آنها اقبال عمومی پیدا کرده‌اند و برخی مهجور و متروک مانده‌اند. این ترجمه‌ها تا چه اندازه توانسته‌اند در انتقال مفاهیم الهی موفق باشند؟ مزایا و اشکالات و نقایص هر یک کدام است؟

در این مقاله سعی شده است شماری از ترجمه‌های قرآن باری دیگر مورد دقت و بررسی قرار گیرند و نقادیهایی پیشین همراه با مقایسه ترجمه‌های دیگر مورد کنکاش قرار گیرد و ترجمه‌ای نیز به عنوان ترجمه برگزیده مطرح گردد.

سیر تاریخی ترجمه قرآن

ترجمه قرآن از دیرباز مورد توجه بوده است. از زمانی که بلال حبشی و سلمان فارسی برای اقوام خود قرآن را ترجمه نمودند تا امروز کوششهای بسیاری در این خصوص صورت گرفته است. انگیزه‌های بیش‌تر مترجمین، انتقال پیام الهی قرآن به مردمان دیگر و تبلیغ دین اسلام بوده است. اولین مترجم قرآن کریم حضرت سلمان (ع) بوده است اما غیر از وجود مبارک ایشان از قرن سوم تا به امروز تقریباً هزار ترجمه از قرآن کریم به فارسی داریم که اکثر آنها در کتابخانه‌های آستان قدس رضوی، حضرت معصومه (ع) و کتابخانه‌ها و موزه‌های هند و پاکستان محفوظ است.^۱ البته اولین اثر مکتوب، ترجمه تفسیر طبری است.^۲ ترجمه این تفسیر به

تقاضای ابوصالح منصور فرزند نوح سامانی (۳۵۰-۳۶۶) و به فتوای دانشمندان بلخ و بخارا و سمرقند صورت پذیرفته است.^۳ البته تا قرن پنجم مترجمین بدون ذکر نام خود، معادل و برابره‌های لغوی کلمات قرآن را به صورت چلیبیا (منحنی شکل) و یا به صورت افقی کلمه به کلمه زیر آیه‌ها می‌نوشتند؛ اما بعدها ترجمه‌ها دارای عبارت پردازی و جمله بندی گردیدند.

امروز قرآن به بیش از صد زبان زنده دنیا ترجمه شده است. تنها در دوران معاصر حدود پنجاه ترجمه به فارسی داریم که نشان از اهمیت دادن فارسی زبانان به این کتاب الهی است. مفهوم ترجمه: ترجمه بر وزن «فعلله» (از ترجم یترجم) است و به معنای تبیین یا تفسیر از زبانی به زبان دیگر آمده است. ریشه ترجمه از کلمه «ترجمان» است که فارسی آن‌تر زبان (ترزقان) است.^۴

اما در اصطلاح به معانی زیر است:

- شرح و تفسیر سخن به زبان اصلی؛

- تفسیر سخن به زبان دیگری؛

- تبلیغ کلام و رساندن سخن به کسی که آن را نشنیده است؛

- گردانیدن زبان به زبان دیگر.

در عرف مراد از «ترجمه» بیشتر معنای چهارم است.^۵

اما مفهوم ترجمه قرآن را می‌توان چنین تعریف نمود: قرآن را به گونه‌ای به زبانی دیگر برگردانیم که پیام و محتوای متن به طور دقیق به خواننده منتقل گردد و از طرفی ساختارهای ادبی و انسجام جمله‌ای آن هم تا حد امکان رعایت گردد و این ترجمه بتواند مانند آینه‌ای صاف و زلال مفاهیم را با ظرافتها و ریزه کاریها پس بدون خلل و کاستی بنمایاند.^۶

قرآن کریم خود تأکید می‌کند که آیاتش برای هدایت همه مردم است.^۷ و انذار برای هر کسی است که قرآن به او برسد.^۸

دین اسلام دینی جهانی است و ضرورت تبلیغ این دین مبین، در واقع اهمیت ترجمه قرآن را آشکار می‌سازد؛ چراکه برای تبلیغ دین اسلام معرفی کتاب آسمانی آن و ترجمه آیات آن به زبان دیگر از ضروریات است و بهترین وسیله جهاد فرهنگی همان آیات مبارک و نورانی قرآن است.^۹

چگونه می‌توان اقوام و ملل دیگر را به اسلام دعوت کرد اما آنان را به مفاد و محتوای آیات قرآن آشنا نساخت؟ چگونه می‌توان آنان را به تدبیر در آیات قرآن تشویق نمود در حالی که با زبان قرآن یا ترجمه آیات و مفهوم آن آشنا نیستند؟ آیا راهی جز ترجمه آیات الهی به زبان خود آنان وجود دارد؟^{۱۰}

در واقع ترجمه کلام الهی می‌تواند مردم را به سخنان الهی آشنا سازد، بر شوق و ایمانشان بیفزاید، تعالیم الهی را گسترش دهد و اعتقاد مؤمنان را بارور نماید چه بسیارند کسانی که از راه ترجمه قرآن جلال و شکوه‌مندی سخن الهی را درک کرده و تفکر در آیات الهی و تدبیر در مفاهیم آسمانی تشویق شده است.^{۱۱}

انواع ترجمه

ترجمه به انواع مختلفی چون، لفظ به لفظ، آزاد، ترجمه تفسیری، ترجمه مفهومی و ترجمه وفادار و امین (معیار) تقسیم می‌شود.

ترجمه لفظ به لفظ یا تحت اللفظی: ترجمه‌ای است که معنای هر لفظ را زیر آن می‌نویسند. از مزایای این ترجمه، کوشش مترجم در وفاداری و دقت هر چه بیشتر در ترجمه کلمات قرآن است. مترجم در این نوع ترجمه کم‌ترین دخالت در کلام الهی را منظور نظر دارد. این ترجمه برای آموزش قرآن به افراد مبتدی کاربرد بیش‌تری دارد.

اما این نوع ترجمه معمولاً خالی از انسجام معنایی است و در معادل‌یابی اصطلاحات و کنایات ناتوان است و ترجمه موفق و مقبول شمرده نمی‌شود.^{۱۲}

ترجمه آزاد ترجمه‌ای است که جملات و عبارات به دلخواه مترجم پس و پیش می‌شود و گاه مطالبی غیر از مفاد آیات بر آنها افزوده می‌گردد و یا کاسته می‌شود.

ممکن است ترجمه یک آیه چند برابر آن عبارت داشته باشد.^{۱۳} شاید این نوع ترجمه تنها برای کودکان و نوجوانان مناسب باشد. هدف اصلی انتقال پیام کلی متن در قالب دیگری است.^{۱۴} باید توجه داشت که رعایت امانت علمی اقتضا می‌کند که آیات قرآن با اعمال نظر شخصی و دخل و تصرف بی‌اندازه، خدشه دار شود.

ترجمه تفسیری: ترجمه‌ای است که مترجم با توجه به تفاسیر معتبر سعی می‌کند ضمن ترجمه الفاظ به طور دقیق، اضافات تفسیری را همراه ترجمه به صورت مزجی (ترکیبی) یا به صورت شرح و بسط در داخل پرانتز وارد کند. هدف آن انتقال معنا و مفهوم و پیام آیه به صورت واضح‌تر و بهتر برای خواننده است؛ مانند ترجمه الهی قمش‌های و مشکینی.

ترجمه معنایی و محتوایی: انتقال پیام و محتوای زبان مبدأ مد نظر قرار می‌گیرد. مترجم سعی می‌کند مفهوم و محتوا را بدون آنکه ضرری به اصل معنا برساند، در قالب‌های زبان مقصد به گونه‌ای که خواننده مفهوم را دریابد، بیان کند. در اینجا توجه مترجم به ساختارهای زبان مقصد بیشتر مورد توجه می‌باشد.

ترجمه امین یا وفادار: در این ترجمه انتقال دقیق پیام و محتوی متن مبدأ همراه با حفظ ساختارهای ادبی آن زبان مد نظر قرار می‌گیرد و ضمن معادل‌یابی دقیق واژه‌ها در زبان مقصد، ساختارهای زبان مقصد نیز در حد بالایی رعایت می‌شود؛^{۱۵} یعنی هم معادل‌یابی واژه‌ها و هم تطبیق ساختار جمله‌ها در دو زبان مبدأ و مقصد به طور دقیق رعایت می‌شود و انتقال پیام و محتوی دقیق هم فراموش نمی‌گردد.

اصول ویژگیهای یک ترجمه ممتاز

ترجمه قرآن به شکلی که بتواند ریزه‌کاریها و نکات ادبی و جنبه‌های مختلف اعجازهای بیانی قرآن را منتقل نماید و هیچ عیب و نقصی در آن نباشد امکان‌پذیر نیست؛ چرا که تمام ویژگیها و معیارهای خاص زبان قرآنی را نمی‌توان به زبان فارسی ترجمه نمود. اما می‌توان با بکارگیری اصول و مبانی ترجمه قرآن و با در نظر گرفتن برخی از ویژگیهای قرآن، ترجمه ممتاز و دقیقی را ارائه داد. برخی کارشناسان به بعضی از این اصول و ویژگیها چنین اشاره کرده‌اند:

۱. تسلط به اصول و قواعد دستوری و معنای واژه‌ها در زبان مبدأ؛

۲. آشنایی کامل با زبان مقصد؛

۳. تسلط بر مبانی کلامی و فقهی شیعه؛

۴. امانتداری در ترجمه؛

۵. روشنی، گویایی، شیوایی و انسجام ترجمه؛

۶. پرهیز از واژه‌های نامأنوس و دور از شأن قرآن؛

۷. مطابقت با اصل در ایجاز و اطناب؛

۸. توجه به وجوه نظایر لغات قرآن؛

۹. ظاهر کردن مراجع ضمیر و اسامی اشاره (برای فهم بهتر)؛^{۱۶}

۱۰. تسلط به تفسیر آیات و آگاهی از شأن نزول آیات.

تسلط مترجم بر زبان مبدأ و مقصد باید به گونه‌ای باشد که بتواند در ساختارهای ادبی و واژه‌ها معادل‌یابی کند. به کارگیری واژه مناسب از میان معناهای مختلف یک لغت، نیاز به دقت و ظرافت دارد. می‌توان گفت:

برای برگرداندن متنی به زبان دیگر دو عنصر ادب و هنر لازم است با عنصر ادب مفهوم و محتوی زبان مبدأ به زبان مقصد وارد می‌گردد و با مایه هنر قالب زبان مقصد برای گنجاندن محتوی زبان مبدأ در آن اندازه‌گیری می‌شود و آرایشهای لفظی متناسب با متن، صورت می‌گیرد.^{۱۷}

بررسی و نقد ترجمه‌های موجود

اکنون به بررسی و نقد ترجمه‌های برگزیده می‌پردازیم. شیوه کار به این گونه است که ابتدا به معرفی ترجمه و مترجم می‌پردازیم و سپس نقاط فوت و ضعف ترجمه‌ها را بیان می‌کنیم و برای آگاهی بیشتر خوانندگان ترجمه آنان را با چند ترجمه دیگر مقایسه کرده، در آخر یک ترجمه برگزیده (یا برتر) را نشان می‌دهیم.

ترجمه مرحوم الهی قمشه‌ای

مرحوم مهدی الهی قمشه‌ای حکیم و مفسر قرآن فرزند ابوالحسن در سال ۱۳۱۸ ق. در قمشه (شهرضا) به دنیا آمد و در آنجا و شهر اصفهان علوم متداول را فراگرفت و برای تکمیل تحصیلات خود به مشهد مقدس عزیمت نمود و مدتی در تهران مدرسه عالی شهید مطهری (سیهسالار) به تعلیم حکمت و فلسفه پرداخت. او سالها در دانشگاه تهران اسناد زبان عربی بود و در دانشکده معقول و منقول به تدریس فلسفه اشتغال ورزید. تألیفات بسیاری از او به جای مانده که اغلب در موضوعات فلسفه و حکمت و عرفان و تفسیر قرآن می‌باشد. ترجمه قرآن نیز یکی از آثار اوست که بیش از صد بار چاپ شده است. او در حقیقت آغازگر ترجمه معاصر قرآن مجید است.^{۱۸}

ترجمه او یکی از ترجمه‌های خوب و تأثیرگذار دهه‌های اخیر بوده است. بعد از گذشت سالها از انتشار آن هنوز هم به عنوان یک ترجمه خوب تفسیری مطرح است.^{۱۹} از جمله مزایای این ترجمه رعایت دقیق مبانی کلامی و اعتقادی شیعه است که برخی از ترجمه‌های موجود از این مزیت برخوردار نیستند.

مرحوم الهی قمشه‌ای یک روحانی با اخلاص و فقیه و فیلسوف و صاحب نظر بوده است. یکی از دلایل ماندگاری این ترجمه نیز اخلاص و پاکی این مرد بزرگ می‌باشد، اما از آنجا که هر کار نو و بدیع همواره مورد دقت نظر قرار می‌گیرد، ترجمه آن مرحوم نیز مورد نقادی فراوانی قرار گرفته است.

از جمله نقدی بهاء‌الدین خرمشاهی است که چنین اظهاری دارد:

ترجمه مرحوم الهی قمشه‌ای ترجمه‌ای آزاد و آزادانه است. یعنی همراه با افزوده‌های تفسیری است و چون این افزاینها با نثری شیرین و خوشخوان بیان شده، برخی آن را حسن این ترجمه انگاشته‌اند. این افزوده‌ها در ترجمه آن مرحوم نه جزء ترجمه است و نه تفسیر، زیرا به صورت مزجی است و خواننده نمی‌تواند متن اصلی را از افزوده‌ها بازشناسد.^{۲۰}

حسین استاد ولی نیز در همین باره می‌گوید:

این ترجمه صرف نظر از نقاط مثبت آن، دارای نقایص و اشتباهات فراوانی مانند بی‌توجهی به ضمائر و معلوم و مجهول بودن فعل‌ها، بدخوانی کلمات، پیش داوری ذهنی به مفهوم آیه، عدم رعایت نکات ادبی در ریشه‌یابی کلمات یا اعراب جملات، نقل به معناها، افتادگیها و... است، ولی در عین حال از نظر استقبال عموم مردم موفق‌ترین ترجمه است.^{۲۱}

در اینجا به بررسی چند نمونه از اشکالات این ترجمه و مقایسه آن با دیگر ترجمه‌ها می‌پردازیم:

۱. و اشریوا فی قلوبهم العجل یکفرهم (بقره / ۹۳).

الهی قمشه‌ای: و از آن رو دل‌های شما فریفته‌گوساله شد که به خدا کافر بودید.

آیتی: بر اثر کفرشان (مهر) گوساله در دلشان سرشته شد.

مشکینی: و محبت گوساله در دل‌های آنان به خاطر کفرشان رسوخ یافت.

مکارم شیرازی: و دل‌های آنان بر اثر کفرشان، با محبت گوساله آمیخته شد.

برگزیده: دل‌های آنان به خاطر کفرشان از محبت گوساله سیراب شده بود.

این ترجمه برگزیده برگرفته از ترجمه تفسیر نمونه است که به دلیل رعایت معنای کلمه «اشریوا» انتخاب گردید در تفسیر المیزان آمده است:

چون «اشریوا» از ماده «اشراب» به معنای نوشیدن می‌باشد و مراد از عجل محبت عجل است نه خود عجل. عجل به جای محبت نشسته تا مبالغه را برساند و بفهماند. یهودیان از شدت محبتی که به گوساله داشتند خود گوساله را در دل جای دادند و بنابراین یک جور استعاره در کلام به کار رفته است و یک مجاز. یکی عجل به جای محبت عجل و دیگری نوشاندن محبت، در صورتی که می‌دانیم محبت نوشیدن نیست.^{۲۲}

در واقع ما بایستی حتی الامکان موارد مجاز یا استعاره را نیز در زبان مقصد به صورتی قابل فهم بیاوریم. این نکته را غالب ترجمه‌ها رعایت نکرده‌اند در ترجمه تفسیر نمونه دقت لازم شده است؛ اما در ترجمه آیت الله مکارم، که برگرفته از همین تفسیر است، از این نکته غفلت شده است. در ترجمه تفسیر بیان السعاده^{۲۳} نیز چنین آمده است: «به سبب کفرشان دل‌هایشان سیراب عشق گوساله شد». که نسبتاً ترجمه کامل‌تری است. همین اشکال را خرّمشاهی مطرح نموده و علاوه بر آن گفته است. «قلوبهم»، به معنای دل‌هایشان است. اما در ترجمه ایشان دل‌های شما آمده است.^{۲۴}

۲. و قد اخرجنا من ديارنا و ابنائنا. (بقره / ۲۴۶)

ترجمه الهی قمشه‌ای: ما را و فرزندان ما را به ستم از دیارمان بیرون کردند. آیتی: در حالی که ما از سرزمینمان رانده شده‌ایم و از فرزندانمان جدا افتاده‌ایم. مکارم شیرازی: در حالی که از خانه‌ها و فرزندانمان رانده شده‌ایم. فولادوند: با آنکه ما از دیارمان و از (نزد) فرزندانمان بیرون رانده شده‌ایم. برگزیده: در حالی که ما را از سرزمینمان رانده و از فرزندان خویش جدا کرده‌اند: اشکال: مرحوم الهی قمشه‌ای «اخرجنا» را هم به پسران و هم به پدران نسبت داده‌اند در حالی که کلمه «ابنائنا» عطف به «دیارنا» است. اما نباید «اخرجنا من ديارنا» به «اخرجنا من ابنائنا» یکسان ترجمه شود. چنان که در ترجمه استاد فولادوند با اضافه کردن کلمه «نزد» در برانتز معنای ترجمه را به خوبی رسانده‌اند.

۳. فليقاتل في سبيل الله الذين يشرون الحياة الدنيا بالآخرة (نساء / ۷۴).

الهی قمشه‌ای: مؤمنان باید در راه خدا با آنان که حیات مادی دنیا را بر آخرت برگزیدند، جهاد کنند.

آیتی: پس آنان که زندگی دنیا را داده‌اند و آخرت را خریده‌اند باید که در راه خدا بجنگند. معزی: پس باید نبرد کند در راه خدا آنان را که می‌فروشند زندگانی دنیا را به آخرت. خرمشاهی: کسانی که زندگی دنیا را به آخرت فروخته‌اند، باید در راه خدا کارزار کنند. مکارم شیرازی: کسانی که زندگی دنیا را به آخرت فروخته‌اند باید در راه خدا پیکار کنند. المیزان: کسانی که زندگی دنیا را می‌فروشند و آخرت را می‌خرند باید در راه خدا پیکار کنند. ترجمه برگزیده: آنان که زندگی دنیا را برای آخرت (خود) فروخته‌اند، باید در راه خدا پیکار کنند.

در انتقال مفهوم آیه باید مفهوم «معامله» به فارسی در ترجمه بیاید که در برخی ترجمه‌ها برای فارسی زبانان این معنا مبهم است. اشکال در ترجمه الهی قمشه‌ای آن است که ایشان جمله «الذین يشرون...» را مفعول گرفته و ترجمه کرده‌اند؛ در حالی که نقش فاعلی دارد. در این آیه خداوند به منزله خریدار و مؤمن فروشنده است لذا می‌فرماید «الذین يشرون الحياة الدنيا بالآخرة» در واقع آیه در صدد القاء این مفهوم است که تنها کسانی می‌توانند جزء مجاهدان واقعی باشند که آمادهٔ چنین معامله‌ای گردند و دریافته باشند که زندگی جهان مادی در برابر مرگ افتخارآمیز در مسیر زندگی جاودان و همیشگی اهمیتی ندارد ولی آنان که حیات مادی را اصیل و گرانبها و بالاتر از اهداف مقدس الهی و انسانی می‌دانند مجاهدان خوبی نخواهند بود.

۴. فأتت به قومها تحمله قالوا یا مریم لقد جئت شیئاً فریاً (مریم ۲۷).

الهی قمشه‌ای: آنگاه قوم مریم (که از این قضیه آگاه شدند) به جانب او آمدند که از این مکانش همراه ببرند و گفتند ای مریم به راستی کار بسیار زشت و شگفت‌آوری مرتکب شده‌ای.

مکارم شیرازی: (مریم) در حالیکه او را در آغوش گرفته بود، نزد قومش آورد.

فولادوند: پس (مریم) در حالی که او را در آغوش گرفته بود به نزد قومش آورد.

معزی: پس بیاورد او را به نزد قومش حالی که به دوش همی کشیدش.

المیزان: مولود را که در بغل گرفته بود نزد کسان خود آورد.

پرگزیده: پس او (عیسی) را در حالی که در بر داشت، نزد قومش آورد.

اشکالی که در ترجمه مرحوم الهی قمشه‌ای دیده می‌شود - همان طور که از مقایسه ترجمه‌ها برمی‌آید - این است که فاعل فعل «انت» حضرت مریم (ع) است که در ترجمه ایشان «قوم» فاعل محسوب شده است. مرجع ضمیر در «به» حضرت عیسی (ع) است و فعل «اتی» با «باء» متعدی گردیده است.^{۲۵} این ترجمه در سال ۱۳۷۷ توسط حسین استاد ولی ویراستاری شده و بسیاری از اشکالات آن مرتفع گردیده است.

ترجمه محمد مهدی فولادوند

ترجمه فولادوند به اعتقاد بسیاری از کارشناسان جزء بهترین ترجمه‌های قرآن است. بسیار دقیق و علمی کار شده است و از ویژگیهای آن روانی، شیوایی و انسجام، رعایت امانتداری، پرهیز از واژگانه‌های نامأنوس و تطبیق هر چه بیشتر با متن قرآن و حداکثر برابری وازگانی و دستوری است. نه فارسی‌گرایی مفرط و نه عربی‌گرایی بیش از اندازه دارد. چون خود مترجم به زبانهای فارسی و عربی تسلط داشته، ترجمه ایشان از محاسنی برخوردار شده است.

خرمشاهی در توصیف آن می‌گوید: «این ترجمه‌ای است سر راست و ساده و بدون سبک یعنی فاقد گرایشهای خاص و افراطی است تأکیدهایی که در نثر عربی و نیز در قرآن کریم فراوان و در فارسی کمیاب است به نحوی ظاهر کرده‌اند و تا آنجا که بنده مقابله کرده‌ام نه صیغه غایبی را حاضر و نه حاضری را غایب و نه جمعی را مفرد و نه مفردی را جمع کرده‌اند. این تفسیر ۲ یا ۳ درصد افزوده‌های تفسیری دارد. بنده که به عنوان ویراستار دست کم سه ترجمه قرآن کریم اشتغال و افتخار دارم، تاکنون ترجمه‌ای به این حد دقیق و در عین حال خوشخوان و غیر تحت اللفظی ندیده‌ام.»^{۲۶}

اما مترجمین معمولاً برخی مبانی و اصول ترجمه را فراموش می‌کنند و برای ترجمه جملات ایجازی قرآن چاره‌ای جز اطناب نمی‌بینند و ناخواسته به جای ترجمه به شرح می‌پردازند و این

از ویژگیهای قرآن است که به طور کامل و دقیق نمی‌توان آن را با همه ابعاد مختلفش به زبان دیگر منتقل نمود. ترجمه فولادوند هم خالی از نقد و اشکال نیست که به ذکر چند مورد اکتفا می‌شود.

۱. *لَمِنْ أَتَيْتَ أَهْوَاهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ* (بقره / ۱۲۰). فولادوند: چنانچه پس از آن علمی که تو را حاصل شد، باز از هوسهای آنان پیروی کنی، در برابر خدا سرور و یاوری نخواهی داشت. مکارم شیرازی: اگر از هوی و هوسهای آنان پیروی کنی بعد از آنکه آگاه شده‌ای، هیچ سرپرست و یاوری از سوی خدا برای تو نخواهد بود. مشکینی: و اگر پس از دانشی که برایت حاصل شد از هواهای آنان پیروی کنی، هرگز برای تو از جانب خداوند سرپرست و یاوری نخواهد بود. خرمشاهی: و اگر پس از دانشی که بر تو (فرو) آمده است، از خواسته‌های آنان پیروی کنی، در برابر خداوند یار و یاوری نداری. معزی: و اگر پیروی کنی هوسهای آنان پس از آنچه بیامدت از دانش نباشدت از خدا دوست و یاوری.

برگزیده: اگر بعد از آن علم و دانشی که برای تو آمد، از خواسته‌های دل آنان پیروی کنی از (سوی) خداوند یاوری و سرپرستی نخواهی داشت. اشکال: همان طور که در ترجمه اول (فولادوند) دیده می‌شود، کلمه «باز» در جمله زاید است.^{۲۷} و اضافه همین کلمه مفهوم را تغییر داده است. گویی که پیامبر (ص) پیش از آن از هوا و هوسهای یهود و نصاری پیروی کرده است.

۲. *يَجْعَلُونَ أَسْبَابَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حُدُورَ الْمَوْتِ*. (بقره / ۱۹)

فولادوند: از (نهیب) آذرخش (و) بیم مرگ سرانگشتان خود را در گوشه‌هایشان نهند. الهی قمشه‌ای: آنان سر انگشتان خود را از بیم مرگ در گوش نهند مبادا از شدت صاعقه بمیرند.^{۲۸} مکارم شیرازی: آنها از ترس مرگ، انگشتشان را در گوشه‌های خود می‌گذارند، تا صدای صاعقه را نشنوند.

خرمشاهی: از بیم مرگ ناشی از صاعقه‌ها انگشتانشان را در گوشه‌هایشان می‌کنند. مشکینی: آنها انگشتان خود را از شدت صاعقه‌ها برای فرار از مرگ در گوشه‌هایشان می‌کنند.

برگزیده: از هراس مرگِ ناشی از (شدت) صاعقه‌ها، انگشتانشان را در گوشه‌هایشان قرار می‌دهند.

اشکال: در ترجمه فولادوند نهیب آذرخش و بیم مرگ عطف یکدیگر شده‌اند در حالی که منظور بیم مرگِ ناشی از صاعقه‌ها می‌باشد. لذا ترجمه‌های بعدی از این نظر اغلب درست‌تر و دقیق‌تر است. ۲۹

۳. و ان اردتم استبدال زوج مکان زوج وءاتیم احدین قنطارا فلا تأخذوا منه شیئاً
(نساء / ۲۰).

اگر خواستید همسری به جای همسر پیشین خود ستابند و به یکی از آنان مال فراوانی داده باشید.

فولادوند: چیزی از او نگیرید.

مکارم شیرازی: چیزی از آن را پس نگیرید.

مشکینی: چیزی از آن را پس نگیرید.

خرمشاهی: چیزی از آن را باز پس نگیرید.

معزی: از زریا سیم نگیرید از او چیزی.

برگزیده: چیزی از آن (مال) را پس نگیرید.

اشکال: فولادوند ضمیر «منه» را که به مال بر می‌گردد به زن برگردانده است و همان طور که از ترجمه‌های دیگر معلوم است باید ترجمه می‌شد: «چیزی از آن (مال) را پس نگیرید.»

۴. الله يتوفى الانفس حين موتها و التي لم تمت في منامها (زمر / ۴۲).

فولادوند: خدا روح مردم را هنگام مرگشان باز می‌ستاند و (نیز) روحی که در (موقع) خوابش نمرده (قبض می‌کند)

مکارم شیرازی: خداوند ارواح را به هنگام مرگ قبض می‌کند و ارواحی را که نمرده‌اند به هنگام خواب می‌گیرد.

الهی قمشه‌ای: خداست آن که وقت مرگ ارواح خلق را می‌گیرد و آن کس را که هنوز مرگش فرا نرسیده نیز در حال خواب روحش را قبض می‌کند.

ترجمه تفسیر المیزان: خداست که جانها را در دم مرگ می‌گیرد و آنها هم که نمرده‌اند در خواب می‌گیرد.

ترجمه برگزیده: خداست که ارواح مردم را در دم مرگشان به طور کامل می‌گیرد و از آن که نمرده در حال خواب می‌گیرد.

این ترجمه برگزیده از ترجمه آیت الله مشکینی است که با اندکی تصرف دقیق تر معنا را رسانده است.

اشکال: در ترجمه فولادوند این اشتباه پیش می آید که بعضی روحها می میرند و برخی دیگر نمی میرند شاید توجه نشده است که و «التي لم تمت» عطف به «الانفس» می باشد؛ یعنی خداوند هم جانهای مردم را و هم جانهای آنان که در خوابند می گیرد؛ اما آنان که در خواب هستند، قبض روحشان به نحو ناقص می باشد (چون خواب خود نوعی مرگ است) و آنان که خواب نیستند قبض روحشان به طور کامل صورت می گیرد.^{۳۰}

۵. فذرهم حتى يلاقوا يومهم الذي فيه يصعقون (طور / ۴۵).

فولادوند: پس بگذارشان تا به آن روزی که در آن بیهوش می افتند برسند.

معزی: پس بگذارشان تا برسند به روزشان که در آن به صاعقه بسوزند.

مکارم شیرازی: حال که چنین است، آنها را رها کن تا روز مرگ خود را ملاقات کنند.

مشکینی: پس آنها را رها کن (با آنها محاجه و ستیزه مکن) تا روزی که در آن هلاک می شوند دیدار کنند.

تفسیر المیزان: حال که به هیچ برهانی به راه نمی آیند، رهایشان کن تا روز خود را دیدار کنند روزی که در آن هلاک می شوند.

آیتی: پس آنها را واگذار تا روزی را که در آن به هلاکت می رسند، بنگرند.

برگزیده: پس رهایشان کن تا روزی را که در آن (ناگهان) میرانده شوند، ببینند کلمه «يصعقون» مجهول مضارع از مصدر «اصعاق» به معنای میراندن است.

اشکال: فعل «يصعقون» مضارع مجهول است؛ چون به باب افعال رفته و متعدی شده است. لذا باید ترجمه متعدی شود نه لازم^{۳۱} و در المیزان نیز آمده است که کلمه یصعقون، مجهول مضارع از مصدر «اصعاق» به معنای میراندن است.^{۳۲}

۶. يا اهل الكتاب لم تصدون عن سبيل الله من امن بالله و تبغونها عوجاً (آل عمران / ۹۹).

فولادوند: ای اهل کتاب چرا کسی را که ایمان آورده است از راه خدا باز می دارید و آن (راه) راکج می شمارید؟

مکارم شیرازی: از اهل کتاب چرا افرادی را که ایمان آوردند از راه خدا باز می دارید و می خواهید این راه راکج سازید؟

معزی: بگو ای اهل کتاب چرا باز می دارید از راه خدا آن را که ایمان آورده است، خواهیدش

کج.

مشکینی: بگو ای اهل کتاب، چرا کسی را که ایمان آورده از راه خدا باز می‌دارید در حالی که کج کردن راه خدا را می‌خواهید.

المیزان: بگو ای اهل کتاب چرا کسی را که ایمان آورده، از راه خدا جلوگیری می‌کنید و آن راه را کج و معوج می‌خواهید.

برگزیده: بگو ای اهل کتاب چرا کسی را که ایمان آورده از راه خدا باز می‌دارید در حالی که آن راه را به گونه‌ای کج می‌خواهند.

اشکال: کلمه «تبغونها» از «بغی» به معنای جست‌وجو کردن، خواستن و طلب است. فولادوند «شمردن» ترجمه کرده در حالی که معنای آن می‌شود: «در حالی که آن راه را کج می‌خواهید.» ۳۳

۷. لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک و ما تأخر (فتح / ۲).

فولادوند: تا خداوند گناه تو را از گناه گذشته و آینده تو بیامزد.

آینی: تا خدا گناه تو را آنچه که پیش از این بوده و آنچه پس از این باشد برای تو بیامزد.

قمشه‌ای: تا از گناه گذشته و آینده ات (گناهی که مشرکین آن را گناه می‌دانند) بیامزد.

مکارم شیرازی: تا خداوند گناهان گذشته و آینده‌ای را که بر تو نسبت می‌دادند ببخشد.

مشکینی: تا خداوند گناهان گذشته و آینده تو را بیامزد (گناهانی که کفار بر تو می‌دیدند

مانند: هتک مقدساتشان و ترک اولی‌ها را که خود گناه می‌دید).

برگزیده: تا خداوند گناهان گذشته (تو که مشرکان آن را گناه می‌دانند و ترک اولی) و گناهان

آینده (امت تو) را بیامزد.

اشکال: در واقع در ترجمه فولادوند اشاره‌ای به این نکته نشده که پیامبر (ص) معصوم است

و گناه ندارد و منظور از گناه پیامبر گناهی است که مشرکان آن را به پیامبر نسبت می‌دادند. این

آیه می‌بایستی طوری ترجمه شود و اضافاتی داشته باشد تا مبانی کلامی شیعه رعایت شود.

ترجمه‌های الهی قمشه‌ای و مشکینی و... از این لحاظ (رعایت مبانی کلامی شیعه) برتر هستند.

در برخی ترجمه‌ها (مانند ترجمه بهبودی) به گونه‌ای ترجمه شده است که گناه را برای پیامبر

اعظم (ص) مسلم شمرده‌اند به ترجمه مذکور توجه کنید: «تا خداوند گناهان پیش تو را در

خونریزی جنگ پدر و گناهان بعدی تو را در جنگ احد و احزاب ببوشاند.» چگونه ممکن است

پیامبر (ص) که جنگ با کفار را برای سربلندی و عزت اسلام انجام داده گناه به شمار آید؟! ۳۴

ترجمه عبد الحمید آیتی

این ترجمه از امتیازاتی برخوردار است. سلامت، استحکام جمله بندی، پرهیز از سره نویسی و عربی گری و دوری از هر گونه حشو و زوائد از جمله ویژگیهای این ترجمه می باشد. مترجم سعی داشته ترجمه‌ای سهل و آسان از قرآن کریم بیاورد و در آغاز هر سوره معنای آن را آورده است و در برخی موارد توضیحاتی راجع به سوره ذکر کرده است. اما ترجمه ایشان در بسیاری از موارد نقل به مفهوم است و از آوردن لغات مطابق و برابر یابی در فارسی کمتر استفاده شده است.^{۳۵} در یک نگاه مقایسه‌ای باید گفت که در صد دقت آرمانی این ترجمه حدود هشتاد درصد می باشد.^{۳۶}

این ترجمه در برخی موارد اشتباهاتی دارد که نمونه‌هایی از آن ارائه می شود:
۱. و اوتوا به مُتشابهاً (بقره / ۲۵).

آیتی: از چنین میوه‌هایی برخوردار شده بودیم، که این میوه‌ها شبیه به یکدیگرند. مشکینی: و همه میوه‌ها به نزد آنان شبیه به هم آورده می شوند. تفسیر المیزان: و نظیر آن به ایشان بدهند.

فولادوند: مانند آن (نعمتها) برای آنها آورده شود.

مکارم شیرازی: و میوه‌هایی که برای آنها آورده می شود، همه از نظر خوبی و زیبایی یکسانند.

برگزیده: و مانند آن روزها برای آنها آورده شود.

اشکال:

«اوتوا» صیغه مجهول از «أتی - یأتی» است که مصدر آن «ایتان» است که با حرف «بِ» متعدی شده است و معنای آوردن است نه از «آتی - یؤتی» که مصدر آن «ایتاء» و مجهول آن «اوتوا» است و ضمیر «بِهِ» به «رِزْقاً» برمی گردد نه به «ثمره» پس مترجم باید چنین ترجمه کند: «مانند آن روزها برای آنها آورده شود.»

۲. اویتوب علیهم او یعذبهم فأنهم ظالمون. (آل عمران / ۱۲۸).

آیتی: ایشان را به توبه وادارد یا آن ستمکاران را عذاب کند.

مکارم شیرازی: مگر اینکه (خدا) بخواهد آنها را ببخشد و یا مجازات کند زیرا آنها ستمکارند.

فولادوند: یا (خدا) بر آنان می بخشاید، یا عذابشان می کند، زیرا آنان ستمکارند.

مشکینی: یا به آنها عطف توجه کند و موفق به توبه نماید و (یا) مهلت دهد و در آخرت

عذابشان

معزی: یا بپذیرد توبه آنان را یا عذابشان کند آنان ستمکارانند.

برگزیده: یا توبه آنان را بپذیرد و یا (با عدم توبه) ایشان را عذاب کند که آنها ستمکارانند.

اشکال: مترجم محترم جمله «تاب علیهم» را به «توبه واداشت» ترجمه کرده که اشتباه است. و معنای صحیح آن «توبه‌اشان را بپذیرد.» می‌باشد.

۳. ام حسبم ان تدخلوا الجنة و لما یأتکم مثل الذین خلوا من قبلکم (بقره / ۲۱۴).

آیتی: می‌پندارید که به بهشت خواهید رفت؟ آیا هنوز سرگذشت کسانی که پیش از شما بوده‌اند را نشنیده‌اید؟

قمشه‌ای: آیا گمان کرده‌اید که به بهشت داخل شوید بدون امتحاناتی که پیش از شما برگزیدگان آمد؟

المیزان: بلکه می‌پندارید بدون اینکه آنچه بر سر اقوام و ملل گذشته از مصائب درونی و برونی بیامد بر سر شما آید داخل بهشت شوید.

فولادوند: آیا پنداشتید که داخل بهشت می‌شوید و حال آنکه هنوز آنچه بر (سر) پیشینیان شما آمد بر سر شما نیامده است؟

معزی: یا گمان کردید که به بهشت درآیید و هنوز نیامده است شما را نمونه آنان که پیش از شما بودند.

برگزیده: آیا پنداشتید که داخل بهشت می‌شوید در حالی که هنوز مشابه آنچه بر سر پیشینیان شما آمد به شما نیامده است؟

اشکال: «لَمَّا یَأْتِکُمْ» را به معنای «نشنیده‌اید» گرفته است. در واقع معنای صحیح «هنوز شما را نیامده است» می‌باشد (در حالی که هنوز آنچه بر سر پیشینیان شما آمد بر سر شما نیامده است؟) ۳۷

۴. قَدْ لَیْسَ بِهَا بَعْرُورٌ (اعراف / ۲۲).

آیتی: آن دو را بفریفت و به پستی افکند.

قمشه‌ای: پس آنان را به فریب و دروغی (از آن مقام بلند) فرود آورد.

مشکینی: پس به فریب و نیرنگ آنها را (از مقامشان) تنزل داد.

فولادوند: پس آن دو را با فریب به سقوط کشانید.

برگزیده: پس آن دو را با فریبی (بزرگ) به سقوط کشانید.

اشکال: همان طور که واضح است، ترجمه «به پستی افکنند» در واقع ترجمه به مفهوم ملازم است و اصل ترجمه «دَلّی» از «تدلیه» (به فرو فرستادن دلو به چاب و پایین فرستادن و باعث سقوط و تنزل شدن) می‌باشد. لذا بهتر است که یکی از ترجمه‌های فوق را برگزینیم.

۵. و ان الظن لا یغنی من الحق شیئاً (یونس / ۳۶).

آیتی: و گمان نمی‌توان جای حق را بگیرد.

قمشه‌ای: و گمان و خیالات موهوم هیچ از حق بی‌نیاز نمی‌گرداند.

مشکینی: بی‌تردید (ظن) و گمان از هیچ حقی بی‌نیاز نمی‌سازد.

فولادوند: گمان به هیچ وجه (آدمی را) از حقیقت بی‌نیاز نمی‌گرداند.

مکارم شیرازی: گمان هرگز انسان را از حق بی‌نیاز نمی‌سازند (و به حق نمی‌رساند)

پرگزیده: همانا گمان (انسان) را از حق هیچ کفایت نمی‌کند.

اشکال: نکته قابل توجه این است که آیتی چگونه «لا یغنی من الحق شیئاً» را «نمی‌تواند

جای حق را بگیرد» ترجمه نموده که ترجمه دقیق و معیار نیست؛ اما اشکالی که در ترجمه‌های

اساتید دیگر به چشم می‌خورد آن است که همه «لا یغنی» را به معنای «بی‌نیاز نمی‌کند»

آورده‌اند. ولی ترجمه دقیق آن «کفایت نمی‌کند» است. به این نکته در لغت نامه مجمع البحرین

اشاره شده است. در ترجمه «لکل امری، منهم یومئذ شأن یغنیه» آمده است: «ای یکفیه عن

الاهتمام بغیره و من اغنی عنی شرک ای اصرفه عنی و کفه»^{۳۸}

فارسی زبانان معنای «بی‌نیاز نمی‌کند» را به خوبی «کفایت نمی‌کند» متوجه نمی‌شوند.^{۳۹}

خرمشاهی در بررسی این ترجمه اظهار می‌دارد:

مدت ۱۴ ماه مطالعه و مقابله این ترجمه طول کشید حاصل نقد و نظرم بالغ بر ۱۴۱ صفحه

گردید که به جای انتشار، مصلحت دیدم کل یادداشتها را در اختیار مترجم فاضل جناب عبد

الحمید آیتی قرار دهم و قرار دادم و ایشان از میان ۸۸ نکته و یادداشت انتقادی من، ۶۱ نکته را

پذیرفته و ۲۷ نکته را نپذیرفته بودند.^{۴۰}

و علاوه بر آن نکات برخی انتقادهای دیگر را مطرح کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره

می‌شود.

الف. در سوره نساء آیه ۳ عبارت «او ما ملک ایمانکم» به «یا هر آنچه مالک آن شوید»

ترجمه نموده است که این یک اصطلاح است و به معنای «کنیزی که مالک آن شده‌اید» باید

ترجمه شود.

ب. در آیه ۷۰ سوره مائده ۱۱ کلمه جاء هم رسول بما لا تهوی انفسهم را ترجمه کرده‌اند: «هرگاه پیامبری چیزی می‌گفت که با خواهش دلشان موافق نبود، گروهی را تکذیب و گروهی را می‌کشتند.» در صورتی که «جاء» همراه «باء» متعدی می‌شود و باید چنین ترجمه شود: هر بار که پیامبری چیزی خلاف دلخواه آنان می‌آورد....

ج. عبارت «ما لم ينزل به سلطاناً» (آیه ۳۳ سوره اعراف) ترجمه کرده‌اند: «هیچ دلیلی بر وجود آن نازل نشده است» که به نظر می‌رسد به صیغه مجهول ترجمه شده و حال آنکه فاعل تنزیل، خداوند است.^{۴۱}

ایشان حدود ۴۰ مورد دیگر درباره این ترجمه مطرح کرده که علاقه‌مندان می‌توانند به کتاب قرآن پژوهی مراجعه نمایند.

ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی

این ترجمه محصول ۱۵ سال کار مداوم بر روی تفسیر قرآن مجید و در واقع برآمده از تفسیر نمونه است و بعد از چند بار تجدید نظر و ویراستاری دقیق جواد محدثی منتشر شده است. هدف از تدوین چنین اثری این بود که ترجمه‌ای روان، گویا و در عین حال دقیق و محکم برای همگان به ویژه نسل جوان تحصیل کرده امروز فراهم شود که حتی بدون مراجعه به تفسیر قابل فهم و درک باشد و راه را برای آشنایی هر چه بیشتر با این کتاب بزرگ آسمانی، که دریایی است بیکران از معارف الهی و مفاهیم والای انسان ساز، بگشاید و پایه‌ای باشد برای ترجمه‌های دقیق تر قرآن به زبانهای دیگر جهان.^{۴۲}

این ترجمه، ترجمه محتوای محتوا است و بنا به تعریف مترجم در این نوع ترجمه نخست باید معانی دقیقاً از لباس زبان اول برهنه شود و در مغز جای گیرد و سپس دقیقاً به لباس زبان دوم آراسته گردد.^{۴۳}

ترجمه، ترجمه‌ای روان و مفهومی است که کوششهای فراوانی برای تدوین آن صورت گرفته است. در بسیاری موارد، ترجمه‌ای سلیس و جالبی را از آیات ارائه کرده است.

مبانی کلامی و اعتقادی شیعه در آن رعایت شده، الفاظ نامأنوس در آن دیده نمی‌شود و سعی شده است که به زبان توده مردم باشد و این خود امتیاز خوبی است.^{۴۴}

ترجمه یکی از مشکل‌ترین و پیچیده‌ترین فنون نویسندگی است. به ویژه ترجمه قرآن که علاوه بر آن از ظرافتهای ویژه و نکات فراوان ادبی و وجوه واژه‌ها برخوردار است، کار را چنان سخت می‌کند که ترجمه کامل و دقیق آن به زبان دیگر محال می‌نماید. لذا این ترجمه هم دارای

تقدهایی است که بایستی در آینده مورد تجدید نظر قرار گرفته و برطرف شود تا به ترجمهٔ زبان معیار نزدیک تر گردد.

۱. ما نَسَخْ مِنْ آيَةٍ او نَسَّهَا نَأْتُ بِخَيْرٍ مِنْهَا او مَثَلُهَا (بقره ۱۰۶).

مکارم شیرازی: هر حکمی را نسخ کنیم و یا نسخ آن را به تأخیر اندازیم بهتر از آن یا همانند آن را می آوریم.

فولادوند: هر حکمی را نسخ کنیم یا آن را به (دست) فراموشی بسپاریم، بهتر از آن یا مانندش را می آوریم.

آیتی: هیچ آیه‌ای را منسوخ یا ترک نمی‌کنیم مگر آنکه بهتر از آن یا همانند آن را می آوریم. تفسیر المیزان: ما هیچ آیه‌ای را نسخ نمی‌کنیم و از یادها نمی‌بریم مگر آنکه بهتر یا مثل آن را می آوریم.

معزی: آنچه بر اندازیم از آیتها یا از یاد بریمش بیاریم بهتر از آن یا همانند آن را.

برگزیده: ما هیچ آیه‌ای را از بین نمی‌بریم یا آنکه یادش را از دل‌های شما نمی‌بریم مگر آنکه آیتی بهتر از این یا مثل آن را می آوریم.^{۴۵}

اشکال: مترجم محترم «نسخها را معنای به تأخیر انداختن» آورده در حالی که معنای آن «به فراموشی سپرده» است. و این اشتباه ناشی از آن است که «انساء» را از ماده «نَسَأَ» گرفته (که به معنای تأخیر انداختن است) در حالیکه از ماده «يَنْهَى» می‌باشد.^{۴۶}

اگر به سیاق آیه نیز توجه شود، معنای تأخیر با مفهوم آیه تناسب ندارد؛ چون تأخیر یک حکم به معنای آن است که حکم ابلاغ نشود و این با نسخ سازگار نیست. چگونه می‌شود حکمی را به تأخیر انداختن و بهتر از آن را آورد و دوباره همان حکم را فراخواند؟! مترجم محترم ضمیر «ها» در «نسخها» را به «آیه» (که مؤنث است) ارجاع نداده‌اند، بلکه آن را به مصدر نسخ برگردانده و گفته: «هر حکمی را نسخ کنیم یا نسخ آن را به تأخیر اندازیم.» اشکال این سخن آن است که دیگر نسخ یک حکم به تأخیر افتد، آن حکم هنوز باقی است و نسخ نشده است؛ پس دیگر نمی‌توان همانند آن یا بهتر از آن را آورد.

۲. مَسَّحْتُمُ الْبِاسَاءَ وَالضَّرَاءَ وَزَلُّوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصَرَ اللَّهُ (بقره

۲۱۴/).

مکارم شیرازی: گرفتاریها و ناراحتیها به آنها رسید و آنچنان ناراحت شدند که پیامبر و افرادی که ایمان آورده بودند گفتند: «پس یاری خداکی خواهد آمد.»

فولادوند: آنان آنچنان دچار سختی و زیان شدند و به (هول) و تکان درآمدند تا جایی که پیامبر (خدا) و کسانى که با او ایمان آورده بودند گفتند: «یاری خداى خواهد بود؟»
معزى: بدیشان رسید پریشانى و رنجورى و بر خود لرزیدند تا گفت پیامبر و آنان که ایمان آورده و با او بودند چه وقت است یاری خدا؟

مشکینى: آنها را زیانهای مالی و بدنى رسید و متزلزل و مضطرب شدند تا جایی که فرستاده خدا و کسانى که با او ایمان آورده بودند می گفتند: نصرت و یاری خداى می رسد؟
برگزیده: آنها را ناگواریها و زیانهای (مالی و بدنى) رسید و متزلزل شدند تا آنکه رسول آنان و کسانى که با او بودند، گفتند: یاری خداى خواهد بود؟

اشکال: کلمه «زلزلوا» را به «آنچنان ناراحت شدند» ترجمه کرده است که درست نیست. در هیچ منبع قدیم یا جدید چنین ترجمه‌ای برای «زلزلوا» نیامده است. حتى اگر بخواهیم بگوییم چون ترجمه محتوا به محتوا (معنوی) است باز هم نمی توان پذیرفت که محتوا «زلزلوا»، «ناراحت شدن» است.

در جای دیگر ترجمه «زلزلوا» را دقیق و درست آورده است که جا دارد در آن آیه نیز جایهای بعدی جبران شود:

هنالك ابتلى المؤمنون و زلزلوا زلزلاً شديداً (احزاب / ۱۱).

ترجمه: آنجا بود که مؤمنان آزمایش شدند و تکان سختی خوردند.

۳. و الذين يؤتون مائة و اوتوا و قلوبهم و جلة انهم الى رهم راجعون (مؤمنون / ۶۰).

مکارم شیرازی: و آنها که نهایت کوشش را در انجام طاعات به خرج می دهند با این حال دلهایشان هراسان است از اینکه سرانجام به سوی پروردگارشان باز می گردند.

فولادوند: و کسانى که آنچه را دادند (در راه خدا) می دهند، در حالیکه دلهایشان ترسان است و می دانند به سوی پروردگارشان باز خواهند گشت.

معزى: آنان که دهند آنچه را دهند و دلهاشان لرزان است که به سوی پروردگار خویشند بازگشت کنان.

ترجمه المیزان: آنهایی که از آنچه خدایشان داده می دهند در حالیکه باز از روزی که به خدای خود باز می گردند.

مشکینى: و آنان که آنچه (از مال و جان در راه خدا) می دهند در حالی می دهند که دلهایشان بیمناک است (که مبادا پذیرفته نشود، زیرا می دانند) که به سوی پروردگارشان باز خواهند گشت.

آیتی: و آنهایی که همه آنچه را باید ادا کنند، ادا می‌کنند و باز دل‌هایشان ترسان است که باید نزد پروردگارشان بازگردند.

برگزیده: و کسانی که آنچه را داده‌اند (در راه خدا) می‌دهند و حال آنکه باز هم قلب‌هایشان هراسان است و می‌دانند که به سوی پروردگارشان باز خواهند گشت.

اشکال: ترجمه عبارت «یوتون ما اتوا» به «نهایت کوشش در انجام اطاعت الهی» نقل به مفهوم است. چون افعال یوتون و «آتوا» از باب افعال به معنای دادن و بخشیدن است و لازم معنای آن «انجام دادن» است و در واقع مترجم محترم لازمه معنای «یوتون ما اتوا» را آورده‌اند. مرحوم علامه طباطبائی درباره معنای این آیه می‌گوید: «جمله یوتون ما اتوا» به معنای «یعطون ما اعطوا» است یعنی آنچه را به آنان داده‌اند در راه او می‌دهند.»^{۴۷}

و گاه اوقات به نظر می‌رسد در انتقال مطالب آن دقت کافی نشده است.^{۴۸}

پی‌نوشتها:

۱. خر مشاهی، بهاء الدین، فصلنامه بینات، سال سوم شماره ۳ (پاییزه ۷)، ص ۱۵۰.
۲. نجیب مایل هروی، تاج التراجم فی تفسیر الاعاجم، ترجمه علی اکبر الهی، ج ۱، ص ۲.
۳. رواقی، علی، مجله سروش، ش ۸۷۱.
۴. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، ج ۱۴، ص ۵۵۹.
۵. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۶۴۷.
۶. محتوای متن همراه با حفظ ساختارهای ادبی، انسجام در ترجمه را تا حد امکان رعایت کند و مانند آینه‌ای صاف و زلال مفاهیم را با ظرافتها و ریزه کاریهایش بدون خلل و کاستی بنمایاند. (برگرفته از مقاله سید محمد جواهری (پژوهش در اصول و مبانی ترجمه قرآن و تعریف کتاب فن ترجمه دکتر یحیی معروف).
۷. آیات ۱۸۵ بقره و ۱۰۶ اسراء (هدی للناس لتقراه علی الناس).
۸. انعام (۷)، آیه ۱۹ (اوحی الی هذا القرآن لاندركم به و من بلغ).
۹. فرقان (۲۵)، آیه ۵۲ (و جاهدکم به جهاداً کبیراً)
۱۰. البته راه آموزش زبان عربی وجود دارد؛ ولی این راه برای عموم مردم بی‌موندنی نیست.
۱۱. رامیاد، محمود، تاریخ قرآن، ص ۶۵۰، چاپ دوم، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۲.
۱۲. جواهری، سید محمد، پژوهشی در اصول و مبانی ترجمه قرآن، فصلنامه پژوهش حوزه، شماره ۲۰-۱۹، ص ۵۱.
۱۳. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۶۴۵، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۱۴. معروف، یحیی، فن ترجمه، ص ۲۱، انتشارات سمت، ۱۳۸۰ تهران.
۱۵. جواهری، سید محمد حسن، پژوهشی در اصول مبانی و فرآیند ترجمه قرآن، فصلنامه پژوهش و حوزه شماره ۱۲-۱۱، ص ۵.
۱۶. عظیم پور، عظیم، اختلافات ترجمه‌های قرآن کریم، چاپ اول، انتشارات ماه‌رنگ، ص ۳۶.

۱۷. کوشا، محمد علی، ترجمه‌های ممتاز قرآن در ترازوی نقد، انتشارات کتاب مبین، ص ۷.
۱۸. ر.ک: دانشنامه قرآن، بهاء الدین خرمشاهی، ج اول، ص ۲۸۲، انتشارات دوستان - ناهید، چاپ دوم، ۱۳۸۱ تهران.
۱۹. به ویژه آنکه این ترجمه توسط استاد حسین استاد ولی در سال ۷۷ ویرایش کامل شده است.
۲۰. خرمشاهی، بهاء الدینی، قرآن، ص ۴۵۹، نشر فرهنگی مشرق، چاپ اول، تهران ۱۳۷۲.
۲۱. استاد ولی حسین، ترجمه قرآن کریم الهی قمشهای، ویرایش حسین استاد ولی، ص آخر، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ تهران.
۲۲. طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان ۲۰ جلدی، ج ۱، ص ۳۳۶.
۲۳. بیان السعاده تفسر مرحوم حاج سلطان محمد جنبازی ملقب به سلطان علی شاه می‌باشد که ترجمه آن در ترم‌افزار نورالانوار ۳ (جامع التفاسیر) آمده است.
۲۴. خرمشاهی، بهاء الدین، همان.
۲۵. معروف، یحیی، فن ترجمه، ص ۴۰، انتشارات سمت، ۱۳۸۰، تهران.
۲۶. خرمشاهی، بهاء الدین، قرآن پژوهی، صفحات ۳۴۵.
۲۷. کوشا، محمد علی، نشریه ترجمان وحی، سال سوم شماره اول، ص ۵۵.
۲۸. ترجمه الهی قمشهای ویرایش شده حسین استاد ولی، ص ۵.
۲۹. انصاری، مسعود، نگاهی به ترجمه استاد فولادوند، بینات شماره ۷، ص ۱۲۱.
۳۰. ترجمه آیت الله مکارم نیز از این جهت دارای اشکال است (دقت شود).
۳۱. عباس مرادی، نکاتی در باره ترجمه فارسی استاد فولادوند بنیات سال هفتم ش ۲۷، ص ۱۷۰.
۳۲. المیزان ۲۰ جلدی، ج ۱۹، ص ۳۵.
۳۳. کوشا، محمد علی، ترجمه‌های ممتاز قرآن در ترازوی نقد، ص ۱۶۷، انتشارات کتاب مبین ۱۳۸۲.
۳۴. عظیم پور، عظیم، اختلاف ترجمه‌های قرآن کریم ص ۱۷۶ - ۱۷۵، نشر ماهرنگ تهران، ۱۳۸۱.
۳۵. به طور مثال در آیه ۲۷۳ بقره «لا یستطیعون ضرباً فی الارض» که معنای ناتوانی از سفر در زمین است به معنای ملازم آن ناتوانی از طلب قوت معنا کرده‌اند. ر.ک: ترجمه ممتاز در ترازوی نقد محمد علی کوشا، ص ۶۸.
۳۶. خرمشاهی، بهاء الدین، قرآن پژوهی، ص ۳۴۸.
۳۷. ظاهراً در ویرایش بعدی استاد آیتی این اشکال را برطرف کرده‌اند.
۳۸. مجمع البحرین، ج ۱، ص ۳۲۰.
۳۹. در ویرایش جدید آمده است: «چگونه از حق منحرفشان می‌کنند؟»
۴۰. خرمشاهی، قرآن پژوهی، ص ۳۴۶.
۴۱. قرآن پژوهی، صفحات ۳۵۹ - ۳۵۱.
۴۲. ترجمه آیت الله مکارم شیرازی انتشارات دار القرآن الکریم دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی توضیح در انتهای (سخنی پیرامون این ترجمه).
۴۳. بها بادی، رحمتی، ترجمه‌های معاصر و امروزی قرآن کریم از الهی قمشهای تا خرمشاهی، نشریه ندای صادق، ص ۲۶.
۴۴. متأسفانه برخی از ترجمه‌ها به دلیل استفاده از الفاظ نامأنوس فارسی نتوانسته‌اند در میان فارسی زبانان جای باز کنند هر چند که زحمات فراوانی برای آن کشیده شده است.

۴۵. این ترجمه برگرفته از توضیح علامه طباطبایی است که در انتهای تفسیر همین آیه آورده است. ترجمه تفسیر المیزان ۲۰ جلدی، ج ۱، ص ۳۷۷.
۴۶. مرحوم علامه طباطبائی در معنای این کلمه می‌گویند، کلمه «ننساء» از مصدر «انساء» به معنای «از یاد دیگران بردن است» هم چنان که نسخ به معنای از بین بردن عین چیز است. ترجمه تفسیر المیزان (۲۰ جلدی)، ج ۱، ص ۳۷۷.
۴۷. ترجمه تفسیر المیزان ۲۰ جلدی، ج ۱۵، ص ۵۵.
۴۸. ر.ک: به ترجمه آیه «واشربوا فی قلوبهم العجل» «در بررسی ترجمه مرحوم الهی قمشه‌ای (در همین مقاله).